

دوفصلنامه علمی - پژوهشی تحقیقات علوم قرآن و حدیث دانشگاه الزهراء

سال دهم، شماره ۱، ۱۳۹۲، پیاپی ۱۹

باهم آیی، راه کاری برای کشف و تصحیح احادیث آسیب دیده

سید کاظم طباطبایی^۱

احمد زارع زردینی^۲

تاریخ دریافت: ۱۳۸۹/۱۲/۱۴

تاریخ تصویب: ۱۳۹۰/۸/۲۸

چکیده

برخی احادیث در فرایند انتقال به نسل های بعدی آسیب هایی دیده اند که از جمله آن ها می توان تصحیف، تحریف و جابه جایی را برشمرد؛ بنابراین، پیشنهاد کردن روش هایی برای کشف و تصحیح این آسیب ها ضروری است. در این مقاله، «باهم آیی» (اصطلاحی در حوزه زبان شناسی) را به مثابه راه کاری برای شناخت و تصحیح احادیث آسیب دیده معرفی و پیشنهاد کرده ایم؛ بدین منظور، در آغاز، این روش را معرفی کرده و سپس با ذکر مثال هایی، کار آیی آن را در بررسی و تصحیح آسیب دیدگی حدیث نشان داده ایم.

واژه های کلیدی: حدیث و نقد متن، تصحیف، باهم آیی و نقد متن،

محمد تقی شوشتری.

۱. استاد دانشگاه فردوسی مشهد tabatabaei@um.ac.ir

۲. استادیار دانشکده الهیات، دانشگاه میبد یزد zarezardini@gmail.com

۱. بیان مسئله

میراث حدیثی امروز ما پس از گذشت چندین قرن به دستمان رسیده است. احادیث همانند دیگر متون در این دوره طولانی انتقال، چه به صورت شفاهی، چه به شکل انتقال کتبی و چه به صورت چاپی، همواره در معرض آسیب بوده‌اند؛ بدین شرح که گاه مطلبی به یک حدیث افزوده شده است؛ گاه بخشی از یک حدیث افتاده و گاهی بخشی از حدیث جابه‌جا شده است. این آسیب‌ها به علت‌هایی مختلف روی می‌دهند که از جمله آن‌ها می‌توان نارسایی خط عربی، ناخوانا بودن نسخه‌های خطی و خطاهای کاتبان و ناسخان را ذکر کرد.^۱

وجود این احادیث آسیب‌دیده، ضرورت طراحی و عرضه روش‌هایی را برای شناخت و درمان این آسیب‌ها اجتناب‌ناپذیر می‌کند و این‌نوع از روش‌ها که برای کشف و تصحیح انواع آسیب‌دیدگی متون مختلف به کار می‌رود، نقد متن^۲ یا نقد بیرونی^۳ نام دارد.^۴ حال، این پرسش مطرح می‌شود که برای بررسی و تصحیح احادیث آسیب‌دیده چه روش‌هایی را می‌توان به کار گرفت. در این مقاله، برای طراحی و عرضه روشی برای بررسی و تصحیح احادیث آسیب‌دیده، از موضوع «باهم آبی» استفاده کرده‌ایم که در علم زبان‌شناسی مطرح می‌شود. فرضیه اصلی این روش، آن است که بررسی یک حدیث از نظر انواع باهم آبی می‌تواند در کشف و تصحیح آسیب‌های یک حدیث، بسیار کارآمد باشد؛ به عبارت دیگر، هدف از نگارش این مقاله، بررسی و تبیین مقدار کار آبی روش باهم آبی در نقد و تصحیح احادیث آسیب‌دیده است. برای تبیین زوایای مختلف این روش، بیشتر از پژوهش‌های علامه محمدتقی شوشتری^۵ و مثال‌های او در این زمینه استفاده کرده‌ایم.^۱

۱. برای آشنایی با آسیب‌شناسی احادیث نگاه کنید به دلبری، ۱۳۸۹ و مسعودی، ۱۳۸۹.

۲. Text Criticism- Textual Criticism

۳. Lower Criticism

۴. برای آشنایی با نقد متن نگاه کنید به زرین کوب، ۱۳۵۴ ش: ۱۵۲ و ۱۵۳؛ جهان‌بخش، ۱۳۸۶ ش: ۱۴؛ عبدالتواب، ۱۴۰۶ ق: ۵؛

زرین کوب، ۱۳۷۲ ش: ۱۴۲؛ دیجز، ۱۳۶۶ ش: ۵۰۲ و ۵۰۳؛ ساماران، ۱۳۷۰ ش: ۵۷/۴؛ مایل هروی، ۱۳۶۹ ش.

۵. محمدتقی شوشتری در سال ۱۲۸۱ ش. / ۱۳۲۰ ق. در نجف به دنیا آمد؛ در هفت سالگی، به شوشتر آمد و در همانجا علوم مقدماتی، سطح و دروس عالی را آموخت؛ وی در سال ۱۳۵۳ ق. در پی دستور کشف حجاب، به کربلا مهاجرت کرد؛ پس از برکناری رضاشاه در ایران، وی به شوشتر بازگشت و تا آخر عمر، در این شهر ماند. شوشتری در نوزدهم ذی‌الحجه سال

۲. معرفی روش نقد باهم آیی

پیش از تعریف روش نقد باهم آیی و شرح کاربرد آن در بررسی و تصحیح احادیث آسیب دیده، لازم است اصطلاح باهم آیی را معرفی و انواع آن را مشخص کنیم و سپس کاربرد این روش را به مثابه ابزاری برای بررسی و تصحیح آسیب دیدگی حدیث شرح دهیم.

۲-۱. تعریف باهم آیی^۲

وقوع واژه‌هایی با ویژگی‌های بنیادین مشترک بر روی محور هم‌نشینی، به نوعی باهم آیی منجر می‌شود. در این فرایند، فعل یا صفتی بر روی محور هم‌نشینی، در کنار اسمی ظاهر می‌شود که برای اهل زبان، از پیش تعیین شده است؛ مثلاً در زبان فارسی، به یقین، آنچه می‌تواند «گاز بگیرد» یا «گاز بزند»، «دندان» است و آنچه می‌تواند «بلیسد»، «زبان» است؛ همچنین واژه‌های «سفید و برف»، «سیاه و زغال» و «سرد و یخ» در چنین موقعیتی از باهم آیی قرار دارند؛ اما آنچه در همان نگاه نخست، درباره باهم آیی دیده می‌شود، نسبی بودن وقوع واژه‌ها در هم‌نشینی با یکدیگر است؛ مثلاً به نظر می‌رسد صفت‌هایی همچون «خوب، بد» نسبت به صفت‌هایی همچون «فرتوت»، «فاسد» و «کم‌رنگ»، از بسامد وقوع بسیار بیشتری در هم‌نشینی با موصوف‌های مختلف برخوردارند. صفتی مانند «بلوند» تنها با «مو» هم‌نشین می‌شود؛ در حالی که باهم آیی «قهوه‌ای»، «مشکی» یا «طلایی» صرفاً به «مو» محدود نیست. از سوی دیگر، در باهم آیی فعل و اسم، «مشت‌زدن» تنها با «دست» و

۱۴۱۵ق. در ۹۵سالگی روی در نقاب خاک کشید. فهرست برخی آثار وی بدین شرح است: قضاء امیرالمؤمنین؛ الاربعون حدیثاً؛ مقدمه توحید مفضل؛ البدایع؛ الاوائل؛ آیات نبیات فی حقیقه بعض المنامات؛ النجعه فی شرح اللغه؛ الاخبارالدخيلة؛ قاموس الرجال؛ بهج الصباغه فی شرح نهج البلاغه؛ حواشی مصحف و الدرالنظیر فی المکتب بآبی‌بصر. برای آشنایی بیشتر با زندگی و آثار این محقق برجسته نگاه کنید به ارومیه‌چی، ۱۳۸۲ش؛ جهان‌گیری‌پور، ۱۳۷۵ش؛ صحتی سردودی، ۱۳۷۷ش.

۱. در حوزه بررسی و تصحیح احادیث، از میان گذشتگان، عالمانی همچون فیض کاشانی و علامه مجلسی، و از میان معاصران، مرحوم علی‌اکبر غفاری و استاد محمدباقر بهبودی تلاش بسیار کرده‌اند؛ ولی دست‌مایه استفاده از چنین روشی، بیشتر در آثار علامه محمدتقی شوشتری دیده می‌شود.

۲. این اصطلاح را که ترجمه اصطلاح انگلیسی Collocation است، در زبان فارسی، به صورت‌های مختلف ترجمه کرده‌اند؛ از جمله: هم‌نشینی، باهم آیی، همایش، و میل ترکیبی کلمات (قلی‌زاده، ۱۳۸۰ش؛ شمیسا، ۱۳۷۴ش؛ ۲۶۹؛ صفوی، ۱۳۸۳ش؛ ۱۹۷ و ۱۹۸).

«لگدزدن» تنها با «پا» هم نشین می شود؛ ولی در این گونه باهم آیی، «ضربه زدن» با «پا» یا «دست» محدود نمی شود؛ به این ترتیب، باهم آیی و هم نشینی واژه ها را می توان در طیفی از نهایت محدودیت باهم آیی تا نهایت محدود نبودن طبقه بندی کرد و بر روی پیوستاری این چنین جایابی کرد (صفوی، ۱۳۸۳ ش: ۱۹۷ و ۱۹۸).

۲-۲. باهم آیی ابزاری در بررسی و تصحیح حدیث آسیب دیده

همان گونه که گفتیم، در فرایند باهم آیی، فعل، صفت یا حرفی روی محور هم نشینی، در کنار فعل، صفت، اسم یا حرفی ظاهر می شود که برای اهل زبان، از پیش تعیین شده است؛ مثل «گاز گرفتن» یا «گاززدن» و واژه «دندان». اگر در متنی، فعل «گاززدن» به «زبان» یا «لب» نسبت داده شود، احتمال دارد در آن متن، تغییری روی داده باشد که باعث به هم خوردن این باهم آیی شده است؛ در این صورت باید این تغییر را کشف و سپس اصلاح کرد. در احادیث نیز اگر یک اسم در کنار یک فعل قرار گیرد که با آن، باهم آیی ندارد و قابل تبیین و توجیه نیست، احتمال دارد تغییر در باهم آیی، به جهت آسیب دیدگی حدیث باشد؛ به عبارت دیگر، در این روش، واژگان حدیث از جهت باهم آیی بررسی می شوند.

در آغاز، انواع نقد باهم آیی را شامل باهم آیی اسم و اسم، اسم و فعل، فعل و فعل، و فعل و حرف معرفی می کنیم و سپس درباره کاربرد هریک از روش ها، مثال هایی را از آثار شوشتری، در پنج گام بدین شرح بیان می کنیم:

(الف) بیان مثال به صورت کامل؛

(ب) بررسی حدیث با روش نقد باهم آیی برای کشف آسیب؛

(ج) عرضه صورت درست حدیث (تصحیح)؛

(د) ذکر شواهدی در تأیید تصحیح؛

(ه) بیان علت بروز آسیب دیدگی حدیث.

۱-۲-۲. بررسی حدیث از جهت باهم آبی اسم و اسم

یکی از انواع باهم آبی، آن است که اسم‌های به کاررفته در یک متن باید با یکدیگر تناسب داشته باشند؛ بر همین اساس، یکی از موارد فروپاشی باهم آبی، آن است که دو اسم بدون هیچ گونه قابلیت باهم آبی در کنار یکدیگر قرارگیرند؛ مثلاً در این حدیث، باهم آبی «دست» با «ماهی»، ناسازگار است و بنابراین، شوشتری روایت را تصحیح کرده است: «عن سلمه بن ابی حفص عن ابی عبدالله (ع) أن علیاً (ع) كان يقول: فی صید السمک إذا أدركتها و هی تضرب و تضرب بیدها و تحرك ذنبها و تطرف بعینها فهی ذکاتها» (طوسی، ۱۳۶۵ش: ۸/۹، ۱۳۹۰ق: ۴/۶۱).

بررسی این روایت با قواعد باهم آبی نشان می‌دهد که براساس مفاد این حدیث، وقتی ماهی را صید کردیم، اگر دیدیم هنوز حرکت می‌کند و دست‌هایش را بر زمین می‌زند (تضرب بیدها)، زکات و حلال بودن گوشت آن ثابت می‌شود؛ ولی همان گونه که می‌دانیم، ماهی دست ندارد تا آن را بر زمین بزند؛ به عبارت دیگر، این دو واژه باهم آبی ندارند. شوشتری در تصحیح این روایت گفته است عبارت «بیدها» شکل تحریف شده «بیدنها» است و در این صورت، حدیث معنای خویش را بازمی‌یابد؛ یعنی وقتی ماهی بدن خود را بر زمین می‌زند، این مسئله، نشانه حلال بودن گوشت آن است. به گفته شوشتری، نقلی دیگر از این حدیث، این تصحیح را تأیید می‌کند (شوشتری، ۱۳۹۶ق: ۳/۵). وی از علت این تغییر، سخنی نگفته است؛ ولی به نظر می‌رسد تشابه دو عبارت «بیدها» و «بیدنها» در نگارش، باعث تصحیف و در نتیجه، فروپاشی باهم آبی وازگان در این حدیث شده است.

۱. مضمون روایت، چنین است که امام صادق (ع) به نقل از امام علی (ع)، درباره شرایط درستی صید ماهی و به دنبال آن، حلال بودن گوشتش فرموده‌اند: «وقتی ماهی را صید کردی، اگر دیدی هنوز ماهی تکان می‌خورد و دست‌هایش را به زمین می‌زند و دمش را تکان می‌دهد، این نشانه پاکی و حلال بودن آن است.»

باهم آبی اسم و اسم نیز انواعی مختلف دارد. در نمونه زیر نیز دو اسم در کنار هم به کار رفته اند که باهم آبی ندارند: «عن سماعه قال: "سئل ابو عبدالله (ع) عن العنب بالزبيب. قال: لا يصلح الا مثلاً. قلت: و التمر و الزبيب؟ قال: مثلاً بمثل"» (کلینی، ۱۳۶۵ ش: ۵/ ۱۹۰).

بررسی این حدیث با روش نقد باهم آبی، بیانگر آن است که «انگور» و «کشمش» باهم آبی دارند؛ ولی «خرما» و «کشمش» (تمر و زبيب) باهم آبی ندارند؛ بنابراین، شوشتری به آسیب دیدگی روایت پی برده و گفته است در این روایت، واژه «الزبيب» در پرسش دوم تحریف شده و به صورت «الرطب» درآمده است. وی علت این تصحیف را تشابه این دو واژه در نگارش دانسته است. شایان ذکر است که در پی این تصحیح، باهم آبی واژگان برقرار می شود و «تمر و رطب» یعنی خرما و خشک و خرما تر، با یکدیگر سازگار می شوند (شوشتری، ۱۳۹۶ ق: ۲/ ۶۹).

از دیگر مثال های این بخش می توان روایت زیر را ذکر کرد: «عن مسعده بن صدقه عن الصادق (ع) - فی خبر - ان علیاً (ع) قال: "ان السمک و الجراد اذا خرج من الماء فهو زکی و الارض للجراد مصیده و للسمک قد تکون ایضاً"» (کلینی، ۱۳۶۵ ش: ۱/ ۲۲۲).

در این روایت آمده است «ماهی» و «ملخ» هر گاه از «آب» خارج شوند، پاک هستند. بررسی این روایت با نگاه باهم آبی نشان می دهد که «ملخ» و «آب» باهم آبی ندارند؛ یعنی نمی توان گفت هر گاه ملخ از آب خارج شود، پاک است؛ بلکه «ملخ» با «هوا» و «ماهی» با «آب» باهم آبی دارند. در این روایت، «ملخ» و «آب» در کنار هم به کار رفته اند؛ بر این اساس، شوشتری روایت را به صورت «ان السمک اذا خرج من الماء» تصحیح کرده و تنها شاهد او برای این تصحیح، سیاق روایت است (شوشتری، ۱۳۹۶ ق: ۳/ ۶).

۱. مضمون روایت، چنین است که از امام صادق (ع) سؤال کردند: «آیا انگور و کشمش، و خرما تازه و خرما خشک را باید دو جنس به حساب آوریم که مشمول ربای معاوضی می شوند یا اینکه یک جنس هستند و مشمول ربای معاوضی نمی شوند؟» امام (ع) پاسخ دادند این ها یک جنس محسوب می شوند و در نتیجه، مشمول ربای معاوضی می شوند؛ یعنی یکی از این ها را نمی توان با کمتر یا بیشتر از دیگری معاوضه کرد.

۲. روایت درباره چگونگی تزکیه ماهی است؛ یعنی ماهی باید چگونه صید شود تا خوردن گوشت آن حلال باشد. امام (ع) پاسخ داده اند وقتی از آب خارج شود.

۲-۲-۲. بررسی حدیث از جهت باهم آبی اسم و فعل

یکی دیگر از انواع باهم آبی، آن است که براساس قواعد زبانی، هر اسمی نمی‌تواند در کنار هر فعلی بنشیند. اگر اسمی که در کنار فعل قرار می‌گیرد، با آن ناسازگار باشد و نتوان آن را تأویل کرد، باید در پی کشف آسیب دیدگی و تصحیح آن باشیم؛ مثلاً در عبارت «و اغرس اللهم بعظمتک فی شرب جنانی ینابیع الخشوع» (مجلسی، ۱۴۰۴ق: ۸۴ / ۳۳۹)؛ برای «ینابیع» که اسم و به معنای «چشمه» است، فعل «غرس» به معنای «کاشت درخت» به کار رفته و ترکیبی ناموزون و نادرست پدید آمده است؛ به عبارت دیگر، این فعل و اسم باهم آبی ندارند. شوشتری در تصحیح این حدیث گفته است به جای فعل «اغرس» فعل «اغزر» درست است. در این حالت، واژه «ینابیع» با «اغزر» باهم آبی دارد و حدیث نیز معنایی روشن بدین شرح دارد: چشمه‌های خشوع قلبم را با (یا در برابر) عظمت خودت پرآب کن. شوشتری در تأیید این تصحیح، از معنای لغت (ابن منظور، ۱۴۰۵ق: «غزر») سخن گفته است. دومین شاهد وی نسخه‌ای خطی از بحارالانوار است که این واژه در آن، به صورت «اغزر» آمده است (شوشتری، ۱۳۹۶ق: ۱ / ۲۶۰).

حدیث زیر نیز نمونه‌ای دیگر از این مسئله است: «عن ابی الصباح الكنانی عن ابی عبدالله (ع) قال: «أیما إمرأه اعتقت فأمرها بیدها إن شاءت قامت معه و إن شاءت فارقته»^۲ (طوسی، ۱۳۶۵ش: ۷ / ۳۴۱). در این روایت، «إمرأه» به معنای «زن آزاد» با «اعتق» به معنای «آزاد کردن کنیز» به کار رفته است. این فعل و اسم، باهم آبی ندارند و با یکدیگر ناسازگارند. شوشتری معتقد است برای تصحیح این روایت، دو راه وجود دارد: اول آنکه فرض کنیم واژه «إمرأه» در این روایت، شکل تحریف شده «أمه» به معنای «کنیز» است؛ یعنی صورت درست روایت، «أیما أمه اعتقت» است؛ در این صورت می‌توان گفت سبب این تصحیف نیز تشابه خطی دو کلمه «إمرأه» و «أمه» است. دومین راه تصحیح، آن است که به جای «إمرأه»، «إمرأه مملوکه» قرار داده شود که در این صورت، معنای

۱. معنای روایت با این واژگان، چنین است: خداوند! چشمه‌های خشوع قلبم را با عظمت خودت بکار!

۲. امام صادق (ع) فرموده است کنیزی که آزاد شده، اختیارش در دست خودش است؛ اگر بخواهد، می‌تواند به عنوان خدمت کار نزد او کار کند و اگر خواست، می‌تواند او را ترک کند.

حدیث نیز درست می شود؛ به عبارت دیگر، صورت درست روایت را «ایما إمرأه مملوکه اعتقت» فرض می کنیم. با این فرض، علت فروپاشی باهم آیی اسم و فعل، افتادگی واژه «مملوکه» از این حدیث است (شوشتری، ۱۳۹۶ق: ۲/۲۶۸).

نمونه دیگر از این موارد، حدیثی است که در تفسیر عیاشی بدین شرح آمده است: «قال: «سألنی ابو عبدالله (ع) عن یحیی بن سعید: هل یخالف قضاتکم؟ قلت: نعم! إقتل غلامان بالرحبه فعضّ أحدهما علی ید الآخر فرفع المعوضُ حجراً فشجّ ید العاض فکزّ من البرد فمات»^۱ (عیاشی، ۱۳۸۰ق: ۱/۲۶۴).

شوشتری در بررسی این حدیث، از ناسازگاری در عبارت «فشجّ ید العاض» سخن گفته و معتقد است در زبان عربی، فعل «شجّ» با «ید» به کار نمی رود؛ بنابراین، به نظر می رسد صورت درست این عبارت، «فشج رأس العاض» باشد؛ به دیگر سخن، فعل «شج» در زبان عربی، با «رأس» و «وجه» به کار می رود و به معنای «شکستن سر و صورت» است (انیس و دیگران، ۱۳۹۲ق: «شج»). شوشتری در تأیید این تصحیح، علاوه بر سیاق و لغت عرب، به بخش هایی دیگر از همین حدیث استناد کرده است (شوشتری، ۱۳۹۶ق: ۳/۷۸).

۳-۲-۲. بررسی حدیث از جهت باهم آیی فعل و حرف

هر فعلی حرف اضافه مناسب خود را می طلبد و با آن، باهم آیی دارد. در روایت زیر، باهم آیی فعل و حرف فروپاشیده است: «اللهم صلّ علی محمد و آل محمد و اسمع دعایی اذا دعوتک... إلهی إن حطّنتی الذنوبُ من مکارم لطفک فقد تبهّنی الیقینُ الی کرم عطفک^۲» (ابن طاووس، ۱۳۶۷ش: ۶۸۶).

۱. در این روایت، از درگیری دو نوجوان سخن گفته شده است که یکی دست دیگری را گاز گرفته و دیگری نیز سنگی برداشته و سر آن یکی را شکسته و باعث فوت او شده است.

۲. مضمون دعا (به صورت موجود) چنین است: خداوند! بر محمد (ص) و آل محمد درود فرست و آن گاه که تو را می خوانم، به سخن من گوش کن...! خداوند! گناهانم مرا از الطاف کریمانه تو ساقط کرده است؛ ولی یقینی که به تو دارم، مرا از عنایت کریمانه تو آگاه کرده است.

بررسی این مناجات با شیوه نقد باهم آیی، بیانگر آن است که فعل «نَبَّه» هیچ گاه با «الی» متعدی نمی شود؛ بلکه با «علی» به صورت «نَبَّه علی الشیء» متعدی می شود. از طرف دیگر، بین «حطّ» و «نَبَّه»، هیچ تناسبی وجود ندارد؛ زیرا «حطّ» به معنای «پایین» و «نَبَّه» به معنای «هوشیاری» است. پس از این بررسی، شوشتری گفته است به نظر می رسد «نَبَّه» شکل تحریف شده «نَوّه» است؛ زیرا فعل «نَوّه» با «الی» متعدی می شود. از طرف دیگر، در این صورت، صنعت تضاد در این مناجات، به خوبی نمایان می شود؛ زیرا «حطّ» به معنای «پایین» و «نَوّه» به معنای «بلندی» است (شوشتری، ۱۳۹۶ق: ۱/۲۵۰).

۴-۲-۲. بررسی حدیث از جهت باهم آیی فعل و فعل

در برخی احادیث، دو فعلی که باهم آیی ندارند، در کنار هم به کار رفته اند؛ مانند: «یا ذالمنن السابغه... و قدّر فأحسن و صور فأتقن» (ابن طاووس، ۱۳۶۷ش: ۴۴؛ کفعمی، ۱۴۰۵ق: ۱۷۸).

بررسی این نیایش نشان می دهد که در آن، تقدیر خداوند متعال با فعل «احسن» و صورتگری او با فعل «اتقن» آمده است؛ در حالی که این دو، باهم آیی ندارند؛ یعنی صورتگری خداوند متعال با «احسان» توصیف شده است؛ نه با «اتقان». به نظر می رسد صورت درست این دعا «و قدّر فاتقن و صور فاحسن» باشد. در تأیید این تصحیح، شوشتری گفته است در قرآن کریم، تقدیر خداوند متعال با اتقان هم نشین شده و به عبارتی، «اتقان» از جوانب تقدیر الهی است. آیات زیر این نظر را تأیید می کنند: «و جعل اللیل سکنا... ذلک تقدیر العزیز العلیم» (قرآن، انعام: ۹۶) و «جعل فیها رواسی من فوقها و... و قدّر فیها اقواتها... ذلک تقدیر العزیز العلیم» (قرآن، فصلت: ۱۰)؛ علاوه بر این، هم نشینی «صور» و «احسن» نیز در قرآن دیده می شود؛ مانند: «و صورکم فاحسن صورکم...» (قرآن، غافر: ۶۴، تغابن: ۳).

علت فروپاشی این باهم آیی در دعا، وقوع تقدیم و تأخیر در روایت است (شوشتری، ۱۳۹۶ق: ۱/۲۴۸).

بخش دوم نمونه زیر را نیز می توان از این قبیل دانست:

عن علی بن مهزیار عن رجل سأل الماضي (ع) عن الصلاة في الثعالب؟ فنهى عن الصلاة فيها و في الثوب الذي يليها، فلم ادر اى الثوبين الذى يلصق بالوبر أو الذى يلصق بالجلد؟ فوقع (ع) بخطه: الثوب الذى يلصق بالجلد...^۱ (کلینی، ۱۳۶۵ش: ۳/ ۳۹۹).

در این حدیث، از امام (ع) سؤال شده است که نماز خواندن در روباه چه حکمی دارد (عن الصلوه فی الثعالب)؛ در حالی که دو واژه، «نماز خواندن» و «روباه» باهم آبی ندارند و همین مسئله می تواند نشان دهنده بروز آسیبی در روایت باشد. شوشتری روایت را به صورت «الصلوه فی جلود الثعالب» تصحیح کرده است؛ یعنی پرسش از نماز در لباسی است که از پوست روباه تهیه شده باشد. در تأیید این تصحیح، شوشتری درباره ورود این روایت به صورت درست در کتاب های دیگر سخن گفته است (حرّ عاملی، ۱۴۰۹ق: ۲۴/ ۶۲)؛ بنابراین، افتادگی یک واژه از روایت، علت فروپاشی این باهم آبی است.

از طرف دیگر، در این روایت، از امام (ع) سؤال شده و ایشان جواب داده اند و جواب این پرسش، به صورت تویق بوده است. واژه «تویق» بیانگر آن است که سؤال پرسیده شده از امام (ع) به صورت کتبی بوده است؛ نه شفاهی؛ به عبارت دیگر، «تویق» با «مکاتبه» باهم آبی دارد. شوشتری این روایت را تصحیح کرده و معتقد است پیش از عبارت «وقع بخطه»، عبارتی دیگر با مضمون «فکتبت الیه ذلک» وجود داشته است؛ یعنی: این سؤال برایم پیش آمد و آن را نوشتم و برای امام (ع) فرستادم و ایشان آن نامه را تویق کردند (شوشتری، ۱۳۹۶ق: ۴/ ۱۱۸).

۲-۲-۵. بررسی حدیث از جهت باهم آبی اصطلاح

یکی از انواع باهم آبی در زبان، باهم آبی اصطلاح است؛ بدین شرح که اگر معنای یک مجموعه باهم آبی، از معنای واژه های تشکیل دهنده آن، قابل استنباط نباشد، آن مجموعه همایشی را

۱. مضمون روایت، سؤالی درباره جایز بودن یا نبودن نماز خواندن با لباس تهیه شده از پوست یا موی روباه و همچنین لباسی است که زیر یا روی چنین لباسی پوشیده می شود.

«اصطلاح^۱ می‌نامند (لطفی پورساعدی، ۱۳۸۹ش: ۳۴). این مجموعه‌های باهم‌آیی، کاربرد و ترکیبی ثابت دارند؛ مانند ترکیبات مشهور و متداول، عبارت‌ها و اصطلاحاتی مانند «سرتاپا»، «ناخن خشک»، «به‌زاند در آمده»، «دل شکسته»، «دست‌دست کردن»، «دست‌به‌سر کردن» و... . مبحث همایش در اصطلاحات، اهمیت بسیار دارد؛ زیرا عناصری که در اصطلاحات به کار می‌روند، به دلیل کاربرد و شهرت فراوان آن اصطلاحات، چنان با یکدیگر مرتبط شده‌اند که نمی‌توان عناصری دیگر را جای‌گزین آن‌ها کرد یا ترتیبشان را تغییر داد (قلی‌زاده، ۱۳۸۰ش: ۲۳۸).

در روایت زیر، باهم‌آیی یک اصطلاح فروپاشیده و شوشتری روایت را تصحیح کرده است:

وفد اعرابی المدینه فسأل عن اکرم الناس بها فدل علی الحسین (ع)... و انشأ (ع):

خذها فانی الیک معتذر و اعلم بانی علیک ذوشفقه

لوکان فی سیرنا الغداه عصا امست سمانا علیک مندقغه

لکن ریب الزمان ذوغیر و الکف منی قلبه النفقه^۲

(ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹ش: ۴/۶۶)

بررسی این روایت نشان می‌دهد که مصراع سوم این شعر، یعنی «لوکان فی سیرنا الغداه عصا»، با دیگر بخش‌ها ناسازگار است؛ زیرا در این شعر، مصراع‌های زوج با یکدیگر و مصراع‌های فرد نیز با یکدیگر هماهنگ هستند؛ اما در میان مصراع‌های فرد، مصراع سوم با مصراع‌های اول و پنجم ناسازگار است. بررسی این موضوع نشان می‌دهد که این مصراع، یک ضرب‌المثل عربی به‌هم‌ریخته است؛ بر همین اساس، صورت درست این حدیث، «لوکان فی عصانا الغداه سیر» است و در این صورت، وزن شعر در مصراع‌های فرد نیز درست می‌شود. علت فروپاشیدن باهم‌آیی اصطلاح در این شعر، جابه‌جایی واژگان است (شوشتری، ۱۳۹۶ق: ۱/۶۲).

1. Idioms

۲. مضمون اشعار، چنین است:

این بخشش را از من بپذیر و بدان که من نیز با تو همدردم.

اگر عصای من امروز صبح می‌توانست راه برود (کنایه از اینکه اگر توان بخشش بیش از این مقدار را داشتم)، آسمان ما امروز

عصر، بر تو ریزان می‌شد (کنایه از اینکه به تو بیشتر می‌بخشیدم).

ولی زمانه دگرگونی‌های بسیار دارد (کنایه از اینکه دست ما خالی است) و همین امر سبب می‌شود نتوانم به تو بیشتر عطا کنم.

۶-۲-۲. بررسی حدیث از جهت باهم آیی واژگان و بافت

هر واژه‌ای در یک بافت زبانی و غیرزبانی خاص، معنا دارد و به عبارت دیگر، هر واژه‌ای را در هر سیاقی نمی‌توان به کار برد. مقصود از بافت، همان قرینه‌های مقالی و مقامی است. در این بخش، به دو مبحث زیر می‌پردازیم:

الف) بررسی حدیث از جهت باهم آیی واژگان با بافت زبانی:

بافت زبانی، عبارت از قرینه‌ها و سیاقی است که متن را دربر گرفته است.^۱ هر بافتی واژه‌ای مناسب را می‌طلبد. در نمونه زیر، واژگان با بافت زبانی، باهم آیی ندارند: «فواها لها لما سولت لها ظنونها و منهاها»^۲ (مجلسی، ۱۴۰۴ق: ۸۴/۳۳۹).

سیاق و بافت زبانی این دعا نشان می‌دهد که در این بخش، گوینده در پی سرزنش نفس خویش است و بنابراین، در این بافت باید از واژگانی استفاده کرد که به معنای افسوس باشند؛ اما در این مناجات، از واژه «واها» استفاده شده است. در زبان عربی، شادمانی و اعجاب را با واژه «واها» همراه با حرف اضافه «ل» یا «ب» نشان می‌دهند؛ در زبان فارسی، به آن، «به» گفته می‌شود و عبارت «واها واهاً» به معنای «به‌به» است؛ چنان که در حدیثی آمده است: «مَنْ ابْتَلَى فِصْرَ فَوَاهَا وَاها»؛ یعنی: هر کس بر مصیبتی که به او روی آورده است، شکیبایی ورزد، خوشا به حالش! (ابن اثیر، ۱۳۸۳ق: «واه»). بدیهی است که این واژه با سیاق زبانی کلام، ناسازگار است؛ بدین سبب، شوشتری روایت را تصحیح کرده و گفته است صورت درست این دعا «فویلا لها» است و این عبارت با بافت زبانی کلام، سازگار است (شوشتری، ۱۳۹۶ق: ۱/ ۲۶۱ و ۲۶۲)؛ البته باید بیفزاییم که حرف ندای «واها» با حرف اضافه «علی»، برای ابراز اندوه و تأسف و به معنای «آه»، «افسوس» و «دریغا» به کار می‌رود (انیس و دیگران، ۱۳۹۲ق: «واه»).

ب) بررسی حدیث از جهت باهم آیی واژگان با بافت غیرزبانی:

۱. برای آشنایی بیشتر با این موضوع نگاه کنید به رجبی، ۱۳۷۹ش: ۱۱۸ تا ۱۴۴.

۲. خوشا به حال نفس من که آرزوها و خیالات، او را فریب داده‌اند!

بافت غیرزبانی، عبارت از موقعیت و اوضاع بیرون از متن است.^۱ در هر وضعیتی، انسان به تناسب مکان، زمان و طیف مخاطبان و اطرافیان، واژگانی را به کار می‌گیرد. در حدیث زیر، واژگانی به کار رفته‌اند که با بافت غیرزبانی، ناسازگارند:

عن زراره قال: «قلت لابی جعفر (ع): "أدرکتَ الحسین (ع)؟" قال: "نعم! أذکرُ و أنا معهُ فی المسجد الحرام و قد دخل فیهِ السیل و الناس یقومون علی المقام، یخرج الخارج فیقول: قد ذهب به السیل و یخرج منه الخارج فیقول هو مکانه، قال، فقال لی: یا فلان! ما صنع هولاء؟ فقلت: اصلحک الله! یخافون ان یکون السیل قد ذهب بالمقام. فقال: ناد ان الله جعله علماً لم ینکن لیذهب به فاستقرّوا"^۲» (کلینی، ۱۳۶۵ ش: ۴/۲۲۳).

این روایت از منظر صرف، نحو و لغت، مشکلی ندارد؛ ولی در آن، مطالبی وجود دارد که با سیاق مقامی کلام سازگار نیست؛ یعنی با بافت غیرزبانی کلام تناسبی ندارد. در این روایت، امام حسین (ع) خطاب به نوه‌اش امام باقر (ع) گفته است: «یا فلان!» و این عبارت، در سیاق محاوره این دو امام (ع)، بعید به نظر می‌رسد. از طرف دیگر، امام باقر (ع) نیز خطاب به جدش گفته است «اصلحک الله!». این تعبیرها با بافت غیرزبانی‌ای که رابطه دو امام (ع) را ترسیم می‌کند، ناسازگار است. به نظر می‌رسد صورت درست روایت، «فقال (ع) لرجل ما صنع هولاء؛ فقال: اصلحک الله...» بوده است؛ یعنی به جای «لی»، «لرجل» و به جای «فقلت»، «فقال» درست است (شوشتری، ۱۳۹۶ ق: ۷/۲ و ۸).

1. Context

برای آشنایی با این موضوع نگاه کنید به صفوی، ۱۳۸۳ ش: ۱۶۶ تا ۱۸۵.

۲. زراره گوید:

از امام باقر (ع) پرسیدم: «آیا جدتان، امام حسین (ع) را درک کرده‌اید؟» امام (ع) می‌فرمایند: «آری! به یاد دارم با ایشان در مسجد الحرام بودم و سیل وارد مسجد شده بود و برخی از مردم می‌گفتند: "سیل، مقام ابراهیم را با خود برده است" و دیگری می‌گفت: "این‌طور نیست". در این اوضاع، جدم، امام حسین (ع) به من گفت: "فلانی! این‌ها چه می‌کنند؟" گفتیم: "اصلحک الله! مردم می‌ترسند سیل، مقام ابراهیم را با خود برده باشد؟" ایشان (ع) به من فرمودند: "اعلام کنید خداوند آن را نشانه‌ای برای مردم قرار داده است و هیچ‌گاه سیل آن را نخواهد برد". آن‌گاه مردم آرام گرفتند.»

شوشتری بر همین اساس، بخش هایی از «زیارت عاشورا» را بررسی کرده است. در بخشی از این زیارت می خوانیم: «...اللهم العن العصابة التي جاهدت الحسين (ع)...»^۱ (کفعمی، ۱۴۰۵ق: ۴۸۳) که در آن، عبارت «جاهدت الحسين (ع)» حاکی از نوعی ناسازگاری است. در فرهنگ اسلامی، «جهاد» به معنای قتال اهل حق با اهل باطل است؛ ولی در اینجا، «جاهدت الحسين (ع)» یعنی جنگ با امام حسین (ع)، از نوع جهاد است. شوشتری در تصحیح این روایت گفته است: صورت درست حدیث، «جاهدت الحسين» است و «جحد» یعنی انکار مقام و مرتبه کسی؛ بدین ترتیب، عبارت مورد بحث یعنی امام (ع) را شناختند و او را انکار کردند و به حق او گردن نهادند. یکی از شواهد تأیید کننده این تصحیح، آن است که لغت «جحد» در قرآن و لغت نامه های عربی، به همین معنا به کار رفته است (انیس و دیگران، ۱۳۹۲ق: «جحد»). شاهد دیگر، روایت های تاریخی ای است که نشان می دهند اصحاب بنی امیه امام حسین (ع) را شناختند و او را انکار کردند (شوشتری، ۱۳۹۶ق: ۴/ ۳۱۸ و ۳۱۹).

در جایی دیگر از «زیارت عاشورا» آمده است: «...و تابعت علی قتله (ع)...»^۲ (کفعمی، ۱۴۰۵ق: ۴۸۴). در این بخش، در توصیف کسانی که در قتل امام حسین (ع) شرکت کردند و از بزرگان نشان در این کار پیروی کردند، لفظ «تابعت» به کار رفته است؛ در حالی که فعل «تابع» در زبان عربی، به معنای پیروی کردن در کارهای خیر است؛ ولی در اینجا، برای پیروی از یکدیگر در قتل امام حسین (ع) استفاده شده است؛ بنابراین به نظر می رسد صورت درست این واژه، «تایعت» با «ی» باشد.

شوشتری در تأیید این تصحیح گفته است در زبان عربی، «تایع» به معنای پیروی از یکدیگر در کارهای شر است (ابن اثیر، ۱۳۸۳ق: «تایع»؛ بنابراین، در اینجا، واژه «تایع» مناسب تر است؛ زیرا مشارکت در قتل امام حسین (ع)، از بدترین کارها به شمار می رود (شوشتری، ۱۳۹۶ق: ۱/ ۲۵۲).

۱. خداوند! کسانی را که با امام حسین (ع) جهاد کردند، از رحمت خویش دور کن!

۲. خداوند! کسانی را که در قتل امام حسین (ع)، از یکدیگر پیروی کردند، از رحمت خویش محروم کن!

وی درباره علت این تحریف سخنی نگفته است؛ ولی روشن است که تشابه در نگارش این دو واژه، باعث تصحیف شده است.

۲-۲-۷. بررسی حدیث از جهت باهم آیی و انسجام آن

استفاده از کلمه‌هایی با قابلیت باهم آیی، به انسجام متن، کمک بسیار می‌کند و اگر واژه‌های به کاررفته در یک متن، از باهم آیی برخوردار نباشند، انسجام آن متن مختل می‌شود. اگر متنی انسجام نداشته باشد، هر بخش آن، از موضوعی متفاوت سخن می‌گوید و مخاطب را سردرگم می‌کند؛ به عبارت دیگر، ممکن است در یک متن، از موضوع‌هایی سخن گفته شود که با یکدیگر ارتباطی نداشته باشند. هراندازه باهم آیی کلمه‌ها بیشتر باشد، انسجام آن متن نیز بیشتر خواهد بود.

مثال زیر نشان می‌دهد که چگونه فروپاشیدن باهم آیی، انسجام متن را دچار مشکل می‌کند:

عن یونس بن عمار قال: «قلت لابی عبدالله (ع): "جعلت فداک! هذا الذی ظهر بوجهی یزعم الناس ان الله لم یبتل به عبداً له فیها حاجه"؟ فقال: "لا! قد کان مومن آل فرعون مکنع الاصابع"؟ فکان یقول هکذا و یمد یده و یقول: "یا قوم! اتبعوا المرسلین"»^۱ (کلینی، ۱۳۶۵ ش: ۳/۳۲۷).

در این روایت، از «مؤمن آل فرعون» سخن گفته شده که به تعبیر قرآن (قرآن، قصص: ۲۰)، همان کسی است که موسی (ع) را از دست فرعونیان فراری داد. در قرآن کریم، از مؤمن دیگری نیز سخن گفته شده است که خطاب به قومش می‌گفت: «یا قوم! اتبعوا المرسلین» (قرآن، یس: ۲۰)؛ بنابراین، در این حدیث، دو موضوع مختلف با هم درآمیخته و علت این نابسامانی، نادرست بودن باهم آیی «مؤمن آل فرعون» و «یا قوم! اتبعوا المرسلین» است؛ از این روی، شوشتری روایت را تصحیح کرده و گفته است: در این حدیث، «مؤمن آل فرعون» شکل تحریف شده «مؤمن آل یس» است و او همان کسی است که به قومش می‌گفت «یا قوم! اتبعوا المرسلین». شوشتری اشتباه راوی حدیث را

۱. مضمون روایت، چنین است که فردی به علت وجود بیماری در صورتش و تصورهای نادرست مردم درباره او، از امام (ع) سؤال کرد و امام (ع) برای زدودن تصورهای نادرست مردم درباره او، از بیماری مؤمن آل یاسین سخن گفت.

زمینه ساز این تحریف دانسته و علت این اشتباه را شهرت بیشتر مؤمن آل فرعون بیان کرده است. این مسئله سبب شده است راوی، این دو را با یکدیگر دگرگون کند (شوشتری، ۱۳۹۶ق: ۲/۱۱۵). در روایت زیر نیز فروپاشیدن باهم آیی، انسجام روایت را دچار مشکل کرده است: «عن ابی بصیر قال: "سألت ابا عبد الله (ع) عن ذبیحه اليهودی؛ فقال: حلال؛ قلت: و ان سمی المسیح؟ قال: و ان سمی المسیح، فانه انما یرید الله^۱"» (طوسی، ۱۳۶۵ش: ۹/۶۹).

در این حدیث، دین های یهودی و مسیحی با یکدیگر در آمیخته و انسجام متن را دچار مشکل کرده است؛ زیرا اگر حدیث درباره یهود باشد، نام مسیح به اشتباه آمده و اگر موضوع، مسیحیت باشد، نام یهود اشتباه است؛ زیرا در این حدیث، یهودی کسی دانسته شده که اسم مسیح را بر ذبایح خویش بر زبان می آورد؛ در حالی که این مطلب، اشتباه است و یهودی ها منکر حضرت مسیح (ع) هستند؛ پس بر ذبایح خود، نام او را نمی برند. شوشتری صورت درست این حدیث را «سألت ابا عبد الله (ع) عن ذبیحه النصرانی» دانسته و علت این اشتباه را وهم راوی بیان کرده است و دلیل وهم راوی را تقابل واژگانی بین یهودی و نصرانی دانسته که سبب شده است این دو واژه به جای یکدیگر به کار روند (شوشتری، ۱۳۹۶ق: ۳/۱۵۷).

۳. نتیجه گیری

بر اساس آنچه گفتیم:

الف) روش باهم آیی - که در آن، حدیث از نظر میزان باهم آیی واژگانش بررسی می شود - یکی از روش های کارآمد در بررسی و تصحیح احادیث آسیب دیده است.

ب) این روش خود شامل بررسی حدیث از جهت باهم آیی اسم و اسم، باهم آیی فعل و فعل، باهم آیی فعل و حرف، باهم آیی اسم و فعل، و باهم آیی اصطلاح است.

۱. مضمون این روایت (به صورت کنونی)، سؤال درباره ی حلال یا حرام بودن خوردن گوشت حیوانی است که فردی یهودی آن را ذبح کرده است.

- ج) بررسی حدیث از جهت باهم آبی واژگان و بافت نیز می‌تواند در کشف و تصحیح حدیث آسیب‌دیده به کار آید. در این بخش نیز توجه به دو معیار، لازم است: یکی بررسی باهم آبی واژگان با بافت زبانی و دیگری بررسی باهم آبی واژگان با بافت غیرزبانی.
- د) بررسی حدیث با استفاده از شیوه نقد باهم آبی، به فهم و بررسی انسجام متن و در پی آن، نقد و تصحیح حدیث آسیب‌دیده کمک می‌کند.

منابع

- ابن اثیر، مبارک بن محمد جزری (۱۳۸۳ق). *النهایه*. تحقیق طاهر احمد الزاوی و محمود محمد الطناحی. قاهره: بی‌نا.
- ابن شهر آشوب مازندرانی، محمد (۱۳۷۹ش). *مناقب آل ابی طالب*. قم: مؤسسه علامه.
- ابن طاووس، علی بن موسی (۱۳۶۷ش). *اقبال الاعمال*. تهران: دار الکتب الاسلامیه.
- ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۰۵ق). *لسان العرب*. قم: نشر ادب الحوزه.
- ارومیه چی، محمود (۱۳۸۲ش). *آفتاب شوشتر*. تهران: مؤسسه فرهنگی و هنری علامه شیخ شوشتری.
- انیس، ابراهیم و دیگران (۱۳۹۲ق). *المعجم الوسیط*. چاپ دوم. قاهره: مجمع اللغة العربیه.
- جهان‌بخش، جويا (۱۳۸۶ش). *واحدنمای تصحیح متون*. بی‌جا: دلیل ما.
- جهان‌گیری پور، محمدهادی (۱۳۷۵ش). *درس‌وک آفتاب شوشتر*. چاپ اول: قم: مؤسسه دارالکتب جزایری.
- حرّ عاملی، محمد بن الحسن (۱۴۰۹ق). *وسائل الشیعه*. قم: مؤسسه آل‌البیت.
- دلبری، سید علی (۱۳۸۹ش). *آسیب‌شناسی فهم روایات*. رساله دکتری دانشگاه علوم اسلامی رضوی مشهد.
- دیچز، دیوید (۱۳۶۶ش). *شیوه‌های نقد ادبی*. ترجمه غلام‌حسین یوسفی و محمدتقی صدقیانی. چاپ اول. تهران: محمدعلی علمی.
- رجبی، محمود (۱۳۷۹ش). *روش‌شناسی تفسیر قرآن*. چاپ اول. قم: پژوهشکده حوزه و دانشگاه.
- زرین کوب، عبدالحسین (۱۳۵۴ش). *تاریخ در ترازو*. تهران: امیرکبیر.
- (۱۳۷۲ش). *آشنایی با نقد ادبی*. چاپ دوم. تهران: سخن.

- ساماران، شارل (۱۳۷۰ش). *روش های پژوهش در تاریخ*. ترجمه گروه مترجمان. مشهد: آستان قدس رضوی.
- شمیسا، سیروس (۱۳۷۴ش). *کلیات سبک شناسی*. چاپ سوم. تهران: فردوس.
- شوشتری، محمدتقی (۱۳۹۶ق). *الاخبار الدخیله*. تهران: مکتبه الصدوق.
- صحتی سردرودی، محمد (۱۳۷۷ش). *محقق شوشتری: قاموس پژوهش*. قم: مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی.
- صفوی، کوروش (۱۳۸۳ش). *درآمدی بر معنی شناسی*. چاپ دوم. تهران: سوره مهر.
- طوسی، محمد بن حسن (۱۳۶۵ش). *التهدیب*. تهران: دار الکتب الاسلامیه.
- (۱۳۹۰ق). *الاستبصار*. تهران: دار الکتب الاسلامیه.
- عبدالتواب، رمضان (۱۴۰۶ق). *مناهج تحقیق التراث بین القدامی و المحدثین*. قاهره: مکتبه الخانجی.
- عیاشی، محمد بن مسعود (۱۳۸۰ق). *تفسیر*. تهران: مطبعه العلمیه.
- قلی زاده، حیدر (۱۳۸۰ش). *مشکلات ساختاری ترجمه قرآن کریم*. چاپ اول. تبریز: مؤسسه تحقیقاتی علوم اسلامی - انسانی دانشگاه تبریز.
- کفعمی، ابراهیم بن علی (۱۴۰۵ق). *المصباح*. قم: دارالرضی (الزاهدی).
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۶۵ش). *الکافی*. دار الکتب الاسلامیه.
- لطفی پورساعدی، کاظم (۱۳۸۹ش). *اصول و روش ترجمه*. تهران: پیام نور.
- مایل هروی، نجیب (۱۳۶۹ش). *نقد و تصحیح متون*. چاپ اول. مشهد: بنیاد پژوهش های آستان قدس رضوی.
- مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی (۱۴۰۴ق). *بحار الانوار*. بیروت: مؤسسه الوفاء.
- مسعودی، عبدالهادی (۱۳۸۹ش). *آسیب شناسی حدیث*. تهران: دانشکده علوم حدیث و نشر زائر.